

پناهیان: رابطه محبت، مبارزه با نفس و اخلاص / محبت خودخواهانه به دنبال تصاحب و فداکردن محبوب برای محب است، و عکس آن محبت غیر خودخواهانه است / در نگاه غرب، عشق تصاحب‌کننده ترویج می‌شود / فیلم‌های عشقی غربی، خودخواهی را افزایش می‌دهند نه محبت را

گزیده مباحث مطرح شده در بیست و ششمین جلسه سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین پناهیان در مسجد امام صادق (ع) با موضوع «راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی» را می‌خوانید:

رابطه محبت و مبارزه با نفس از دریچه اخلاص / عمل بدون اخلاص، ذاتاً نمی‌تواند کسی را مقرب کند

• بحث رابطه محبت و مبارزه با هوای نفس هنوز کامل نشده و نیاز به تأمل بیشتری دارد. در جلسه قبل از باب ذلت نفس در مقابل کبریایی خدا وارد بحث محبت شدیم، و در این جلسه از باب مفهوم دیگری به نام «اخلاص»، وارد بحث محبت می‌شویم، تا مسیر اصلی بحث را بهتر ببینیم.

• اخلاص یکی از مفاهیم برجسته دینی است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اخلاص غایت دین است؛ الْأَخْلَاصُ غَايَةُ الدِّينِ» (عیون الحکم/ص ۲۰)، یعنی در نهایت می‌خواهیم به این نقطه برسیم. اخلاص نه تنها غایت دین است بلکه از همان ابتدای حرکت مورد نیاز است چون خداوند هیچ عمل غیرمخلصانه‌ای را نمی‌پذیرد.

• اینکه خداوند عمل بدون اخلاص را نمی‌پذیرد، چه معنایی دارد؟ آیا معنایش این است که عمل شما واقعاً عمل است ولی خداوند آن را نمی‌پذیرد و خوشش نمی‌آید؟ یا معنای آن این است که عمل بدون اخلاص، اصلاً عمل نیست که بخواهد شما را به سمت خدا حرکت دهد. نپذیرفتن عمل، بر اساس تعارف و سلیقه که نیست، عمل بدون اخلاص ذاتاً نمی‌تواند کسی را مقرب کند. این عمل مخلصانه است که اثر وضعی در عالم دارد و می‌تواند مکان شما را در عالم تغییر دهد و شما را بالاتر ببرد. در مسیر مبارزه بانفس قرار بود نفس را دلیل و کوچک کنیم نه اینکه به نفع نفس کارهای خوبی انجام دهیم. اینکه عمل غیر مخلصانه پذیرفته نمی‌شود، دلیلش این است که ذاتاً قابل پذیرش نیست و بدون اخلاص در واقع هیچ اتفاقی نیافتاده است.

• ماهیت حرکت تعالی بخش انسان از ابتدا تا انتها این است که خلاف نفس خود عمل کند، نفسی که همه چیز را مال خود می‌کند. نفس حتی کارهای خوب مانند نماز اول وقت را هم مال خود کرده و به نفع خود مصادره می‌کند. اینجا است که خدا گاهی اوقات شما را با کار مهمتری از نماز، امتحان می‌کند که ببیند آیا باز هم به دنبال نماز اول وقت می‌روی یا به دنبال کاری که ضروری‌تر است و بر نماز اول وقت اولویت دارد، می‌روی؟

عملی مخلصانه‌تر است که علیه خودت باشد، نه به نفع خودت

• چه عملی مخلصانه‌تر است؟ عملی که علیه خودت باشد، نه به نفع خودت. یعنی عمل باید طوری باشد که تذلل در مقابل خدا را تشدید کند. شرط عمل مخلصانه این است که برای کسب وجاهت و محبوبیت نزد مردم نباشد، چون چنین عملی به عمل برای خود و به نفع خود منجر می‌شود. وقتی که گفته می‌شود اخلاص این است که عمل تو برای دیده شدن توسط مردم نباشد، یعنی برای خودت نباشد. عدم اخلاص، کشاندن به طرف خود است و اخلاص برای خدا کار کردن است.

دو مدل زندگی: ۱. علاقه به تصاحب کردن برای خود ۲. علاقه به تصاحب شدن توسط «او»

• ما دو نوع زندگی داریم. به بیان دیگر دو نوع نگاه و درک از حیات وجود دارد که کاملاً مجزا از یکدیگرند و در همه زندگی جاری است. در نگاه اول انسان همه چیز را به سمت خودش می‌کشد. اگر علاقه‌ای هست، محور همه آنها خودش است. معیار اینکه از چه کسی خوشش می‌آید، این است که چه کسی به نفع او بوده است. در این نگاه به زندگی، خودت محور هستی و تلاشی می‌کنی همه چیز را برای خودت تصاحب کنی. این نگاه، نگاهی برخلاف اخلاص است.

• اما در نگاه دوم، علت همه محبت‌ها و تلاش‌ها، تصاحب کردن نیست، بلکه تصاحب شدن است. دوست داری به سمت «او» کشیده شوی، نه اینکه همه چیز را به سمت خودت بکشی. این دو مدل نگاه در مقابل یکدیگر قرار دارند. بعضی‌ها هیچگاه به بلوغ کافی برای درک زندگی نوع دوم نمی‌رسند.

• در مدل اول زندگی، شما فقط به این فکر می‌کنی که چه چیزی را دوست داری؟ چه چیزی را می‌خواهی؟ ولی در مدل دوم زندگی مدام می‌پرسی «او» چه چیزی را دوست دارد؟ او از چه چیزی خوشش می‌آید؟ این‌ها دو نگاه و دو نوع حس و دو نوع محبت هستند که یکی تلاش می‌کند همه چیز را به سمت «من» بکشد و دیگری فقط به دنبال «او» است.

محبت خودخواهانه به دنبال تصاحب و فداکردن محبوب برای محب است، اما محبت غیر خودخواهانه در پی فدا کردن محب برای محبوب است / در نگاه غرب، عشق تصاحب‌کننده ترویج می‌شود / فیلم‌های عشقی غربی، خودخواهی را افزایش می‌دهند نه محبت را

• ارتباط محبت با اخلاص هم اینجا مشخص می‌شود که محبت شدیدی که آدم را دلیل معشوق می‌کند؛ محبتی است که در آن دوست داری تصاحب بشوی، نه اینکه تصاحب بکنی. آن «اشد حباً» که در قرآن فرمود «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره/۱۶۰)، هم از همین جنس است.

• اگر مردم زشتی محبت در مدل اول را به درستی درک می‌کردند دیگر کسی علاقه‌ای به دیدن فیلم‌های عشقی امروزی نداشت و این نگاه که تلاشی می‌کند دیگری را به تصاحب خود درآورد را مشمئزکننده می‌دید. در نگاه غرب، عشقی ترویج می‌شود که عاشق تلاشی می‌کند همه چیز را به نفع خودش مصادره کند و این نگاه، خودخواهی‌های عمیقی را به میان خانواده‌ها آورده است، نه محبت را. ولی توصیه دین این است که کسی که خانواده تشکیل می‌دهد، به میل خانواده رفتار کند و فقط به دنبال نفع و ضرر خودش نباشد. (مثلاً: مؤمن به اشتیهای خانواده خود غذا می‌خورد و منافق خانواده اش به اشتیهای او غذا می‌خورد؛ الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ عِيَالِهِ، وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ؛ وسائل الشیعه/۲۱/۵۴۲) غرب از راه‌های مختلف تلاشی می‌کند زن و مرد به موجودات خودخواهی تبدیل شوند که در اثر محبت به خویشان، همه چیز را به سمت خویش بکشد.

- تلاش برای اینکه فقط به دنبال خودت و تصاحب کردن منافع نباشی، تمرین اخلاص است. محبت منهای تصاحب کردن است که ارزش دارد ولی امروزه خیلی کم فهمیده می‌شود.

راز حسادت به ولیّ خدا/کسی که به دنبال تصاحب کردن است، وقتی توجه ویژه خدا به بنده‌ای دیگر را می‌بیند، به او حسادت می‌کند

- محبت کردن براساس تصاحب شدن چه فرقی با محبت براساس تصاحب کردن دارد؟ شرح حال کسی که براساس تصاحب شدن محبت می‌کند این است که می‌گوید: «گر از درت برانی، ور نزد خود بخوانی، رو کن به هر که خواهی، گل پشت و رو ندارد».
- اما در عشق‌های زمینی این حرف معنی ندارد که معشوق برای دیگران باشد. چون عاشق فقط به دنبال تصاحب کردن است. ولی در عشق به خدا و اهل بیت(ع) این‌طور نیست و اتفاقاً راز حسادت به ولی خدا در اینجا معلوم می‌شود. کسی که با ادعای محبت به خدا به دنبال تصاحب کردن بوده است و اخلاص نداشته؛ هنگامی که می‌بیند خدا کس دیگری را مورد محبت و لطف قرار داده، ناراحت می‌شود و می‌گوید من آمده‌ام و تو را عبادت کرده‌ام، آن وقت تو به کس دیگری محبت می‌کنی؟! پس من هم به او حسادت می‌کنم.
- این برخوردهای از روی حسادت با حضرت علی(ع) بسیار زیاد بوده است. چون کسانی که اندک خدمتی به اسلام و پیامبر اکرم(ص) کرده بودند، توقع داشتند رسول خدا(ص) را در باند و جریان خودشان تصاحب کنند. ولی وقتی محبت‌های ویژه پیامبر(ص) به حضرت علی(ع) را می‌دیدند، کُفرشان درمی‌آمد و به علی(ع) حسادت می‌کردند. در حالی که اگر محبت این دسته برای تصاحب شدن بود، نه برای تصاحب کردن، باید به پیامبر(ص) می‌گفتند: «رو کن به هر که خواهی، گل پشت و رو ندارد».

روزه چه تأثیری روی اخلاص دارد؟/ در روزه از تلاش برای تصاحب کردن دست برمی‌داری

- حضرت زهر(اس) می‌فرماید: «خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص قرار داد؛ فَجَعَلَ اللَّهُ...الصَّيَّامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ» (احتجاج/۱/۹۹) طبق فرمایش حضرت ثمره روزه کسب اخلاص است. اما باید دید که روزه چه ارتباطی با اخلاص دارد و چه تأثیری روی اخلاص دارد؟
- وقتی روزه می‌گیری و از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌کنی، امکان اخلاص پیدا می‌کند. روزه ترک طبیعی‌ترین چیزهایی است که نفس دوست دارد. در روزه از تلاش برای تصاحب کردن دست برمی‌داری. کسب اخلاص هم چیزی از جنس تصاحب شدن است، نه تصاحب کردن. البته کسب اخلاص کار سختی است.

دو روایت در باب محبت

- امام محمد باقر(ع) می‌فرماید: «اگر خواستی ببینی که در تو خیری هست، به قلبت نگاه کن. اگر اهل طاعت خدا را دوست داشته‌ای و از اهل معصیت خدا بدت می‌آمد، پس در تو خیری هست. و اگر از اهل طاعت خدا بدت می‌آمد، و اهل معصیت را دوست داشته‌ای در تو خیری نیست و خدا هم از تو خوشش نمی‌آید و انسان با همان چیزی است که دوستش دارد؛ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فَيْكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَةِ فَيْكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَةِ فَلَيْسَ فَيْكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» (کافی/۲/۱۲۷).
- امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر کس که به خاطر خدا دوست داشته باشد و به خاطر خدا دشمنی کند و به خاطر خدا عطا کند از کسانی است که ایمانش کامل شده است؛ مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَ أُبْغِضَ لِلَّهِ وَ أُعْطِيَ لِلَّهِ، فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ» (کافی/۲/۱۲۴)

لحظه‌ای که به سهولت می‌توان اخلاص را تجربه کرد در محبت اهل بیت(ع) است

- اهل بیت(ع) در این شرایط یک فرصت استثنایی هستند که حتی آدم‌های خودخواه هم می‌توانند اهل بیت(ع) را دوست داشته باشند. دلیلش هم این است که محبت به ائمه(ع) آدم را می‌سوزاند و در اوج محبت است که دیگر خودت نیستی و فقط او هست. آن لحظه‌ای که به سهولت می‌توان اخلاص را تجربه کرد در محبت اهل بیت(ع) است. این مطلب را در روزه‌ها و مظلومیت‌های اهل بیت(ع) می‌توانی تجربه کنی که دیگر برای خودت نیستی و برای دیگری می‌سوزی. اگر در این حال به تو بگویند که این عزاداری، پاداش و اجر هم دارد، می‌گویی: من به دنبال پاداش نیستم. من نیامده‌ام چیزی را تصاحب کنم. من می‌خواهم برای او باشم، برای حسین(ع) و بچه‌های حسین(ع)...

